

اقتصاد بدون نفت: از رویا تا واقعیت

نوشته دکتر هوشنگ طالع

برپایی نمایشگاه‌های بین‌المللی سالانه تهران بحث جایگزین کردن درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی به جای دلارهای حاصل از صدور نفت را چند صباحی موضوع روز می‌کند. هر ساله در میانه این مباحث سخنان تکراری فراوانی را می‌شنویم و گاهی نیز با فرضیه‌ها و نظریه‌های تازه‌ای مواجه می‌شویم. اما حتی این نظریه‌های تازه هم با واقعیات حاکم بر اقتصاد کنونی جهان فاصله‌ای ژرف دارند. تحلیلی که در پی مطالعه می‌فرمائید دیدگاهی نوین را در زمینه رسیدن به مرحله‌ای که در آن رویای داشتن اقتصادی بدون نفت امکان‌پذیر باشد، طرح کرده است. مطالعه این تحلیل نشان می‌دهد برای رسیدن به اقتصاد بدون نفت چه راه طولانی و دشواری پیش رو داریم.

●●●

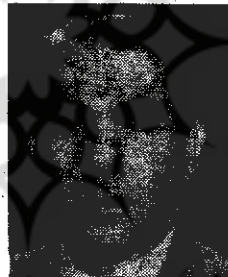
سالهای بسیار است که گهگاه سخن از «اقتصاد بدون نفت» از دهان دولتمردان گوناگون به گوش می‌رسد. در دورانی رونق اقتصادی، هیچ‌کس به فکر افزایش صادرات غیرنفتی و رها کردن کشور از قید و بند درآمد نفت نیست. اما، هنگامی که اقتصاد کشور به کساد کشیده می‌شود، شعارهایی مانند «نفت متعلق به نسل آینده است»، «شکوفایی اقتصادی بدون نفت»، «رشد صادرات غیرنفتی» و... سر داده می‌شود. البته این شعارها شاید برای سرگرم کردن مردم و یا «برای رفتن لحظه‌ای در عالم خلسه»، کارساز باشد. اما مسأله ژرف‌تر از شعار، حتی «خواستن» تنهاست. این «خواستن» را به سادگی نمی‌توان به «توانستن» بدل کرد. راهی است دراز و رهروانی آگاه، با صداقت، بدور از بند بازی‌های سیاسی و با همه وجود، معتقد به این آب و خاک می‌خواهد. برای ورود به کنگه مسأله، بد نیست نگاهی به سطح جهان بیفکنیم و آشنایی بیشتری با مقوله صادرات جهانی پیدا کنیم.

مجموع صادرات جهان در عرض نزدیک به پانزده سال گذشته، به بیش از دو برابر افزایش یافته است. بطوری که از ۱۹۹۶/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به رقم ۴۰۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴، رسیده است. جدول شماره یک رشد شتابنده صادرات جهان

را در سالهای ۹۴-۱۹۸۰ نشان می‌دهد.

از سوی دیگر بیست کشور اول دنیا در زمینه صادرات به تنهایی ۷۸/۷ درصد از کل صادرات جهان را در اختیار داشته‌اند. بدین‌سان از ۴۰۶۰ میلیارد دلار صادرات کل جهان، نزدیک به ۳۱۹۴ میلیارد دلار آن بوسیله ۲۰ کشور انجام می‌گیرد و سهم بقیه جهان که در میان آنها غولهای نفتی مانند عربستان سعودی نیز قرار دارند، تنها ۸۶۶ میلیارد می‌باشد. جدول شماره دو ۲۰ کشور صادرکننده عمده جهان را نشان می‌دهد.

امروزه در نزد اقتصاددانان میزان صادرات و صادرات سرانه مانند تولید ناویژه داخلی سرانه و تولید ناویژه ملی، برای شناخت ترکیب و نیرومندی اقتصاد ملی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. امروزه برخی اقتصادهای خاور و جنوب خاوری آسیا، همه



دکتر هوشنگ طالع

معیارهای سنتی را دگرگون کرده‌اند و با تبدیل شدن به مراکز «صادرات دویباره» (Re - Export)، رقم صادرات سرانه آنها، با درآمد سرانه‌ی ناویژه داخلی ثروتمندترین کشورهای جهان، پهلوی می‌زند. در این مورد «کشور-شهر»های سنگاپور و هنگ‌کنگ، مثال بسیار روشنی هستند. از سوی دیگر، برخی تولیدکنندگان نفت در خلیج فارس نیز بدلیل فزونی تولید و کمی جمعیت، در این رده جای بسیار بالایی را اشغال کرده‌اند.

جدول شماره سه، کشورهایی را که سرانه بیش از ۱۵۰۰ دلار در سال صادر می‌کنند، نشان می‌دهد.

از سوی دیگر نسبت صادرات کشورهای صادرکننده عمده جهان به تولید ناویژه داخلی آنان بسیار گوناگون است. بطوری که بزرگترین صادرکننده کالا در جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا در میان کشورهایی که تولید ناویژه داخلی آنها بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در سال است، در آخر این جدول

قرار دارد. همانگونه که اشاره شد، با توجه به این که در اثر صادرات دویباره، ارقام مربوط به «کشور-شهر»های هنگ‌کنگ و سنگاپور، بسیار بالا هستند، از آوردن آنها در جدول، خودداری شده است.

جدول شماره چهار، نسبت صادرات برخی کشورهای صادرکننده عمده جهان را به تولید ناویژه داخلی آنها در سال ۱۹۹۲، نشان می‌دهد. در این رده‌بندی صادرکنندگان عمده‌ای در نظر گرفته شده‌اند که تولید ناویژه داخلی آنها بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار در سال بوده است.

نفت و اقتصاد ایران

با بهره‌برداری از اولین چاه نفت در ایران، عصر نوینی در تاریخ زندگی اقتصادی مردم ایران گشوده شد^(۱). با وجود گذشت ۹۰ سال از آن زمان، هنوز رشد و توسعه اقتصادی، افزایش یا کاهش درآمد سرانه، صادرات و به تبع آن واردات کشور، در گروی تغییرات توان و میزان استخراج و فروش نفت و قیمت آن در بازارهای جهانی است.

در حقیقت، گرچه درآمد نفت در دورانیهای گوناگون حیات اقتصادی کشور، از نظر بودجه‌بندی و تخصیص منابع به مصرف‌های گوناگونی رسیده است، اما باید گفت که درآمد نفت در تمام سالهای گذشته، نیروی محرکه اقتصاد کشور از نظر سرمایه‌گذاری، توسعه و رشد اقتصادی بوده است. درآمدهای نفتی کشور از نظر تخصیص و هزینه، چهار مرحله را پیموده است:

مرحله نخست: (۱۳۲۰ - ۱۳۰۵). در این مرحله درآمدهای نفتی، ویژه خریدهای ارتش و تجهیز نیروهای مسلح ایران بود. البته باید توجه داشت که تخصیص درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های ارتش، باز هزینه‌های دولت را کاهش داد. این امر سبب شد تا کشور بتواند سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در زمینه‌های زیربنایی و رویایی انجام داده و در حقیقت اقتصاد قرون وسطایی کشور را به دروازه‌های عصر نوین نزدیک کند. در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مهم زیربنایی می‌توان از ایجاد راه‌آهن سراسری، ساختن راه‌های شوسه، ایجاد بندرهای بازرگانی، فرودگاه، صنایع جدید، عمران شهری و... یاد کرد.

مرحله دوم: (۱۳۳۴ - ۱۳۲۰). این مرحله

جدول شماره یک

(ارقام به میلیارد دلار)

سال	سازمان ملل	درصد تغییرات
۱۹۹۲	۱۰۰	
۱۹۹۳	۱۰۰	
۱۹۹۴	۱۰۰	
۱۹۹۵	۱۰۰	
۱۹۹۶	۱۰۰	
۱۹۹۷	۱۰۰	
۱۹۹۸	۱۰۰	
۱۹۹۹	۱۰۰	
۲۰۰۰	۱۰۰	
۲۰۰۱	۱۰۰	
۲۰۰۲	۱۰۰	
۲۰۰۳	۱۰۰	
۲۰۰۴	۱۰۰	
۲۰۰۵	۱۰۰	
۲۰۰۶	۱۰۰	
۲۰۰۷	۱۰۰	
۲۰۰۸	۱۰۰	
۲۰۰۹	۱۰۰	
۲۰۱۰	۱۰۰	
۲۰۱۱	۱۰۰	
۲۰۱۲	۱۰۰	
۲۰۱۳	۱۰۰	
۲۰۱۴	۱۰۰	
۲۰۱۵	۱۰۰	
۲۰۱۶	۱۰۰	
۲۰۱۷	۱۰۰	
۲۰۱۸	۱۰۰	
۲۰۱۹	۱۰۰	
۲۰۲۰	۱۰۰	
۲۰۲۱	۱۰۰	
۲۰۲۲	۱۰۰	

* بدون در نظر گرفتن تورم و تغییر نرخ ارزها
 مأخذ: «گات» و سازمان ملل به نقل از Weltalmanach 96. باید یادآور شد که ارقام مربوط به سال ۱۹۹۴، نهایی نیستند.

در اثر هرج و مرج عمومی حاصل از حضور نیروهای اشغالگر و احزاب وابسته به آنان، بند بند کشور چنان از هم گسیخته بنود که دولت‌های وقت حتی قادر به ارائه بودجه یکساله به مجلس نبودند و پرداخت هزینه‌های جاری کشور و به ویژه حقوق کارمندان دولت از طریق لایحه‌های پرداخت‌های ۱/۱۳ می‌گذشت.

مرحله سوم - (۵۱)

این مرحله را می‌توان به عنوان مرحله تخصیص درآمدهای نفت برای اجرای عملیات عمرانی نام برد. این دوره، برنامه‌های عمرانی دوم، سوم و چهارم کشور را در برمی‌گیرد. البته باید یادآور شد، در این دوره نیز تنها میان ۶۰ تا ۸۰ درصد از درآمد نفتی کشور، برای اجرای برنامه‌های عمرانی در اختیار سازمان برنامه وقت قرار گرفت. (۲) باید در نظر داشت که بخشی از

جدول شماره سه

اعتبارات عمرانی نیز در حقیقت، خاصیت جاری داشتند. اما، با این وجود، در این دوره اندیشه حاکم این بود که چون آیندگان نیز از این منابع سهمی دارند، بایست طوری هزینه شود که بتوانند فضای حیاتی اقتصادی آیندگان را نیز تأمین کنند.

مرحله چهارم - این مرحله از سال ۱۳۵۳ آغاز می‌گردد. در این سال درآمدهای نفتی کشور بدلیل افزایش ناگهانی و بی‌سابقه قیمت نفت در بازارهای جهان، به شدت بالا رفت. در اثر این عمل و افزون بودن درآمدهای نفتی نسبت به توان اجرایی کارهای عمرانی، این استدلال جا انداخته شد که درآمد حاصل از نفت نیز باید به مانند دیگر درآمدهای دولت در بودجه عمومی کشور منظور گردد و در نتیجه برنامه‌های عمرانی نیز به عنوان بخشی از بودجه عمومی کشور در نظر گرفته شود. این روش بودجه‌بندی از آن زمان تاکنون معتبر است.

اما، با وجود برداشته‌های گوناگون درباره «درآمد نفت»، این درآمد هنوز هم پس از گذشت ۹۰ سال، نیروی اصلی محرکه اقتصاد ایران را تشکیل می‌دهد. در دوران جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، بار مالی جنگ و تأمین نیازهای ارزی کشور برای خریدهای جنگی و نیازمندیهای کشور، بر دوش درآمدهای نفتی بود. بار مالی اجرای برنامه اول توسعه

ردیف	کشور	ارقام
۱	ایران	۱۰۰
۲	اسرائیل	۱۰۰
۳	اسپانیا	۱۰۰
۴	ایالات متحده آمریکا	۱۰۰
۵	فرانسه	۱۰۰
۶	آلمان غربی	۱۰۰
۷	بریتانیا	۱۰۰
۸	سوئد	۱۰۰
۹	ژاپن	۱۰۰
۱۰	کانادا	۱۰۰
۱۱	ایتالیا	۱۰۰
۱۲	سوئیس	۱۰۰
۱۳	هلند	۱۰۰
۱۴	آلمان شرقی	۱۰۰
۱۵	اسرائیل	۱۰۰
۱۶	ژاپن	۱۰۰
۱۷	ایالات متحده آمریکا	۱۰۰
۱۸	سوئیس	۱۰۰
۱۹	آلمان غربی	۱۰۰
۲۰	اسپانیا	۱۰۰

مأخذ: همان جا
 * - ارقام مربوط به سال ۱۹۹۳ است.
 * - به اضافه «کشور» شهر «لوکزامبورگ» رده‌بندی کشورها از نویسنده است.

مصادف است با اشغال ایران از سوی متفقین در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰، تا دوران ملی شدن صنایع نفت در سر تا سر کشور. در سالهای اشغال ایران، بدلیل درهم ریختگی اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، درآمدهای نفتی به صورت عامل متوازن‌کننده بودجه عمومی دولت درآمده بود. در این دوران، کشور نه تنها

جدول شماره دو

ردیف	کشور	ارقام
۱	ایران	۱۰۰
۲	اسرائیل	۱۰۰
۳	اسپانیا	۱۰۰
۴	ایالات متحده آمریکا	۱۰۰
۵	فرانسه	۱۰۰
۶	آلمان غربی	۱۰۰
۷	بریتانیا	۱۰۰
۸	سوئد	۱۰۰
۹	ژاپن	۱۰۰
۱۰	کانادا	۱۰۰
۱۱	ایتالیا	۱۰۰
۱۲	سوئیس	۱۰۰
۱۳	هلند	۱۰۰
۱۴	آلمان شرقی	۱۰۰
۱۵	اسرائیل	۱۰۰
۱۶	ژاپن	۱۰۰
۱۷	ایالات متحده آمریکا	۱۰۰
۱۸	سوئیس	۱۰۰
۱۹	آلمان غربی	۱۰۰
۲۰	اسپانیا	۱۰۰

مأخذ: «گات» و سازمان ملل به نقل از Weltalmanach 96. باید یادآور شد که ارقام مربوط به سال ۱۹۹۴، نهایی نیستند.
 * با اضافه «کشور» شهر «لوکزامبورگ» رده‌بندی کشورها از نویسنده است.

محل صادرات کالای (غیرنفتی) در سال ۷۳ - ۱۳۷۰ به شرح جدول شماره شش بوده است.

جدول شماره شش (میلیون دلار)

سال	محل صادرات کالای غیرنفتی (میلیون دلار)
۱۳۷۰	۱۳۰۰
۱۳۶۹	۱۲۰۰
۱۳۶۸	۱۱۰۰
۱۳۶۷	۱۰۰۰
۱۳۶۶	۹۰۰
۱۳۶۵	۸۰۰
۱۳۶۴	۷۰۰
۱۳۶۳	۶۰۰
۱۳۶۲	۵۰۰
۱۳۶۱	۴۰۰
۱۳۶۰	۳۰۰
۱۳۵۹	۲۰۰
۱۳۵۸	۱۰۰
۱۳۵۷	۵۰
۱۳۵۶	۲۰
۱۳۵۵	۱۰
۱۳۵۴	۵
۱۳۵۳	۳
۱۳۵۲	۲
۱۳۵۱	۱
۱۳۵۰	۰

از سوی دیگر، آمار دیگری که مربوط به بازرگانی خارجی کشور است، صادرات کشور را در همین مدت، رقمی دیگر اعلام می‌کند. (جدول شماره هفت)

جدول شماره هفت (میلیارد دلار)

سال	محل صادرات کالای غیرنفتی (میلیارد دلار)
۱۳۷۰	۱۳۰
۱۳۶۹	۱۲۰
۱۳۶۸	۱۱۰
۱۳۶۷	۱۰۰
۱۳۶۶	۹۰
۱۳۶۵	۸۰
۱۳۶۴	۷۰
۱۳۶۳	۶۰
۱۳۶۲	۵۰
۱۳۶۱	۴۰
۱۳۶۰	۳۰
۱۳۵۹	۲۰
۱۳۵۸	۱۰
۱۳۵۷	۵
۱۳۵۶	۲
۱۳۵۵	۱
۱۳۵۴	۰
۱۳۵۳	۰
۱۳۵۲	۰
۱۳۵۱	۰
۱۳۵۰	۰

ماخذ: سالنامه آماری

اختلاف این دو رقم بسیار چشمگیر است. نگاهی به اختلاف دو رقم مزبور که رفته رفته رقم‌های چند میلیارد دلاری را تشکیل می‌دهد، بسیار پرسش برانگیز و از نظر آماری و نیز محاسباتی که لامحاله بر پایه آن انجام می‌گیرد، مخاطره‌انگیز است. اختلاف میان ارقام صادرات، یعنی ارزش حاصل از محل صادرات واقعی کالا و ارزش حاصل از «رویای صادرات» در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره هشت (میلیارد دلار)

سال	محل صادرات کالای غیرنفتی (میلیارد دلار)	محل صادرات کالای نفتی (میلیارد دلار)	مجموع (میلیارد دلار)
۱۳۷۰	۱۳۰	۱۳۰	۲۶۰
۱۳۶۹	۱۲۰	۱۲۰	۲۴۰
۱۳۶۸	۱۱۰	۱۱۰	۲۲۰
۱۳۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۱۳۶۶	۹۰	۹۰	۱۸۰
۱۳۶۵	۸۰	۸۰	۱۶۰
۱۳۶۴	۷۰	۷۰	۱۴۰
۱۳۶۳	۶۰	۶۰	۱۲۰
۱۳۶۲	۵۰	۵۰	۱۰۰
۱۳۶۱	۴۰	۴۰	۸۰
۱۳۶۰	۳۰	۳۰	۶۰
۱۳۵۹	۲۰	۲۰	۴۰
۱۳۵۸	۱۰	۱۰	۲۰
۱۳۵۷	۵	۵	۱۰
۱۳۵۶	۲	۲	۴
۱۳۵۵	۱	۱	۲
۱۳۵۴	۰	۰	۰
۱۳۵۳	۰	۰	۰
۱۳۵۲	۰	۰	۰
۱۳۵۱	۰	۰	۰
۱۳۵۰	۰	۰	۰

حقیقت کدام است؟ حقیقت در کجا نهفته است؟ در آمار مربوط به خرید ارزش از محل صادرات کالا یا ارقامی که گمرک اعلام می‌کند، بدون این که حتی به ارزش برابری ریال در برابر دلار، اشاره‌ای، شود. آیا مبنای محاسبات رقم ۷۰ ریال است، یا قیمت دلار که طی سال ۱۳۷۳ در روزها یا ساعتی به مرز ۷۰۰۰ ریال نیز رسیده بود. کدام نرخ، پایه محاسبه قرار گرفته است؟

متأسفانه نوعی تنظیم آمار بشکل دلخواه، تجدید

پرداخت‌های خارجی کشور برقرار کند. اما، باید توجه داشت که این موازنه، در حد محدود کردن واردات به درآمد صادرات بود که نمی‌توانست در درازمدت موازنه مطلوب باشد. در این موازنه، با متوقف شدن یا کم شدن واردات و از همه مهمتر واردات کالاهای سرمایه‌ای به کشور، امکان سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و در نتیجه افزایش تولید ناوریزه داخلی نه تنها متوقف می‌گردد بلکه جهت عکس به خود می‌گیرد. (۳)

متأسفانه باید این نکته را یادآور شد که از سالهای دور به این سو، سهم درآمدهای حاصل از محل صادرات کالاهای غیرنفتی، نتوانسته است سهم قابل توجهی در درآمدهای ارزی کشور داشته باشد. این نکته را نیز نباید از خاطر دور داشت که بدون درآمدهای نفتی و واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای، قطعات یدکی و مواد اولیه مورد نیاز بخش صنعت و تا حدودی بخش کشاورزی، امکان همین میزان صادرات نیز نمی‌توانست وجود داشته باشد.

جدول شماره پنج دریافت‌های ارزی کشور را از محل صادرات کالا در سالهای ۷۳ - ۱۳۴۰ نشان می‌دهد.

سال	درآمد حاصل از محل صادرات کالای غیرنفتی (میلیون دلار)
۱۳۷۰	۱۳۰
۱۳۶۹	۱۲۰
۱۳۶۸	۱۱۰
۱۳۶۷	۱۰۰
۱۳۶۶	۹۰
۱۳۶۵	۸۰
۱۳۶۴	۷۰
۱۳۶۳	۶۰
۱۳۶۲	۵۰
۱۳۶۱	۴۰
۱۳۶۰	۳۰
۱۳۵۹	۲۰
۱۳۵۸	۱۰
۱۳۵۷	۵
۱۳۵۶	۲
۱۳۵۵	۱
۱۳۵۴	۰
۱۳۵۳	۰
۱۳۵۲	۰
۱۳۵۱	۰
۱۳۵۰	۰

ماخذ: همان جا

که امروز به صورت پراکنده در قالب برنامه دوم توسعه اجرا می‌شود، از محل همان درآمد است. فراموش

جدول شماره پنج

سال	درآمد حاصل از محل صادرات کالای غیرنفتی (میلیون دلار)	درآمد حاصل از محل صادرات کالای نفتی (میلیون دلار)	مجموع (میلیون دلار)
۱۳۷۰	۱۳۰	۱۳۰	۲۶۰
۱۳۶۹	۱۲۰	۱۲۰	۲۴۰
۱۳۶۸	۱۱۰	۱۱۰	۲۲۰
۱۳۶۷	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۱۳۶۶	۹۰	۹۰	۱۸۰
۱۳۶۵	۸۰	۸۰	۱۶۰
۱۳۶۴	۷۰	۷۰	۱۴۰
۱۳۶۳	۶۰	۶۰	۱۲۰
۱۳۶۲	۵۰	۵۰	۱۰۰
۱۳۶۱	۴۰	۴۰	۸۰
۱۳۶۰	۳۰	۳۰	۶۰
۱۳۵۹	۲۰	۲۰	۴۰
۱۳۵۸	۱۰	۱۰	۲۰
۱۳۵۷	۵	۵	۱۰
۱۳۵۶	۲	۲	۴
۱۳۵۵	۱	۱	۲
۱۳۵۴	۰	۰	۰
۱۳۵۳	۰	۰	۰
۱۳۵۲	۰	۰	۰
۱۳۵۱	۰	۰	۰
۱۳۵۰	۰	۰	۰

ماخذ: موازنه ارزی کشور ۶۷-۱۳۶۳. بانک مرکزی ایران به نقل از سالنامه آماری کشور ۱۳۶۹
موازنه ارزی کشور ۷۳-۱۳۷۰. بانک مرکزی ایران
* بدون خدمات

اختلاف صادرات در چیست

آمارهای منتشره پیرامون صادرات کشور دارای اختلاف‌هایی است. این اختلاف‌ها هم ناشی از ارقام سال‌های اخیر است. بانک مرکزی ایران، هر ساله موازنه ارزی کشور را منتشر می‌کند که در آن درآمدهای ارزی از دو بخش کالا و خدمات تشکیل می‌گردد. در بخش کالا، سرفصل «ارز حاصل از صادرات نفت» و «خرید از محل صادرات کالا» به چشم می‌خورد. برپایه آمار بانک مرکزی، خرید ارز از

نکنیم که حتی وام پرداخت شده به کشور که رقم دقیق آن مشخص نیست، به اعتبار جاهای نفت بوده است.

نقش نفت در صادرات کشور

از اولین سالهای سده حاضر خوشبختی، ستون فقرات درآمدهای ارزی کشور را، درآمدهای حاصل از صادرات نفت، تشکیل می‌داد. در دوره کوتاهی در اوایل سالهای دهه ۳۰ در دوران ملی کردن صنایع نفت، کشور نتوانست در نبود درآمد نفت، نوعی موازنه در

نظراتی چند باره در آن برای رسیدن به نتیجه‌های دلخواه که به ویژه پس از پایان جنگ عراق علیه ایران بیشتر به چشم می‌خورد، کشور را در زمینه شناخت

جدول شماره ۹

(میلیارد دلار - میلیون نفر)

۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹

مأخذ: بانک مرکزی - مرکز آمار ایران

مسأله و حیثاً یافتن راه‌حلهای مناسب، با مشکل روبرو می‌کند.

مرکز آمار ایران جمعیت کشور را در سال ۱۳۶۹ برابر با ۵۸/۸ میلیون تن برآورد می‌کند (خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور - شماره ۸ - اسفند ۱۳۶۹). همین سازمان، رقم جمعیت کشور را برای سال ۱۳۷۰، برابر

با ۵۵/۸ میلیون تن برآورد می‌کند (همان منبع - شماره ۱۱) یعنی پس از گذشت یکسال، نزدیک به سه میلیون تن از جمعیت کشور کاسته شده است.

بازی با ارقام و آمار، بسال و پایین کردن نمودارهای کشور به دلخواه، نه تنها مسأله صادرات غیرنفتی، بلکه هیچ یک از مسایل مبتلا به اقتصاد کشور را که در نهایت از یکدیگر جدایی ندارند حل نمی‌کند. تنها با قبول واقعیات و استمداد از

کسانی که می‌توانند واقعیات را تجزیه و تحلیل کنند و راه‌حلهای مناسب نشان دهند، می‌توان به حل مشکلات امیدوار بود.

مبحث صادرات غیرنفتی، همبسته‌ای است از مباحث ریشه‌ای اقتصاد کشور. بدون فائق آمدن به تورم (دستکم دو رقمی) موجود، ایجاد امکانات و بخشیدن اعتماد به جامعه در زمینه سرمایه‌گذاری دراز مدت، دل بستن به جایگزینی درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی به جای دلارهای حاصل از نفت

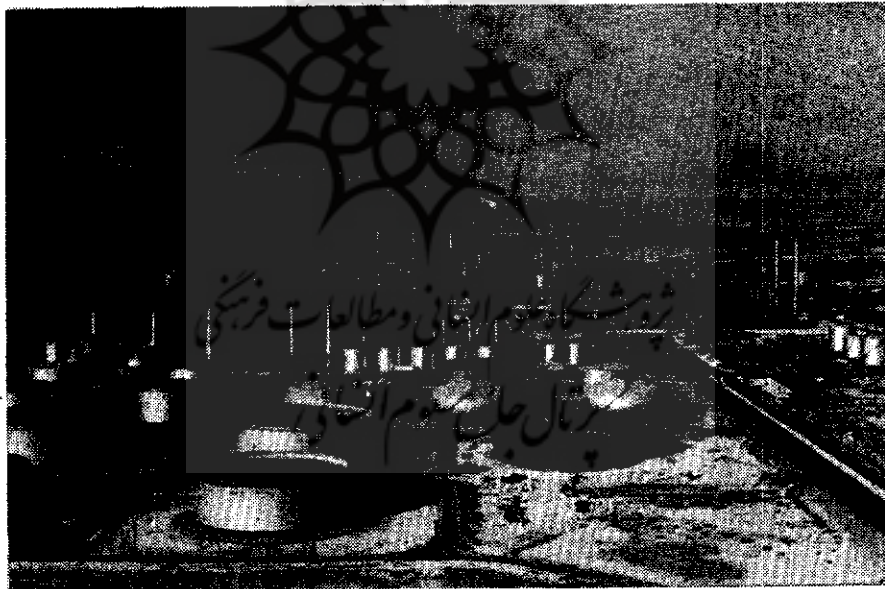
بی‌حاصل است. آیا هرگز اندیشیده‌ایم که سرمایه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری و در نهایت صدور مازاد کالاهای تولیدی، باید از چه منابعی تأمین گردد؟ در

حالی که برپایه‌ی آمارهای موجود کشور، هزینه خانوارهای ملی، بطور چشم‌گیری بیشتر از درآمد خانوارهای ملی است؟ پاسخ به دهها پرسش مشابه این، می‌تواند راه را برای تفکر آزاد در زمینه‌های گوناگون اقتصاد ملی و از جمله مسأله صادرات کالاهای

غیرنفتی، باز کند.

یک حساب سرانگشتی

امروزه، کشورهایی در جهان اقتصاد، حرفی برای گفتن دارند که دست کم دارای صادرات سرانه‌ای برابر با ۱۰۰۰ دلار باشند.



جدول شماره نه، صادرات سرانه کشور را طی سالهای ۷۰-۱۳۴۵، نشان می‌دهد.

هرگاه با توجه به صادرات سرانه کل، صادرات سرانه کالاهای غیرنفتی را در نظر بگیریم، در آن صورت ابعاد ژرف مسأله، روشن‌تر می‌گردد.

در صورتی که جمعیت کشور را برای سال ۱۳۷۳ (بر پایه محاسبات مرکز آمار ایران برای سال ۱۳۷۰)، حدود ۶۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، در آن صورت می‌بایست کشور براساس صادرات سرانه ۱۰۰۰ دلار،

سالانه می‌توانست ۶۰ میلیارد دلار صادرات داشته باشد. هرگاه فرض کنیم که در چنین حالتی حدود ۱۲ درصد از تولید ناویژه داخلی به صادرات تخصیص یابد، در آن صورت می‌بایست کشور دارای تولیدی برابر با ۵۰۰ میلیارد دلار و یا سرانه ۸۳۰۰ دلار می‌بود. در حالی که براساس ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی ایران (آمارنامه سال ۱۳۷۳ مرکز آمار ایران)، تولید ناویژه داخلی کشور به قیمت بازار در سال ۱۳۷۳، برابر با ۱۲۹۷۷۶/۵ میلیارد ریال بوده است. این رقم با توجه به نرخ رسمی برابری دلار (۳۰۰۰ ریال) مبلغ ۴۳/۳ میلیارد دلار یا سرانه‌ای برابر ۷۲۱ دلار می‌باشد. البته اگر محاسبات به نرخ بازار آزاد (یا قیمت واقعی‌تر دلار) انجام گیرد، در آن صورت رقم سرانه تولید ناویژه داخلی به حدود ۵۰۰ دلار تنزل می‌کند.

بدین سان، وجهی دیگر از این سکه چند وجهی که صادرات غیرنفتی و اقتصاد بدون نفت، بخشی از یک روی آن است، بهتر آشکار می‌گردد.

کل ساختار اقتصاد ایران که شامل برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران و... نیز می‌شود، نیازمند بازبینی است. در صورت دارا بودن اراده این کار، می‌توان درباره

مسئله‌ای مانند صادرات غیرنفتی و اقتصاد بدون نفت، در قالب کل مسأله نیز به گفتگو و بررسی نشست.



پانویس‌ها

۱- اولین چاه نفت ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی در مسجد سلیمان به نفت رسید.

۲- در برنامه دوم (مهرماه ۱۳۳۴ تا مهرماه ۱۳۴۱)، حدود ۵۳ درصد از کل درآمدهای نفتی کشور صرف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی شد. در برنامه سوم (۴۶ - ۱۳۴۱) بیش از ۶۸ درصد از کل درآمدهای نفتی برای انجام عملیات عمرانی

در اختیار سازمان برنامه قرار گرفت. در برنامه چهارم عمرانی (۵۱ - ۱۳۴۷) حدود ۸۰ درصد از درآمدهای نفتی صرف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی گردید.

۳- هم‌اکنون نیز چند سال است از همین الگو استفاده می‌شود. یعنی با محدود کردن واردات، نترس بازرگانی خارجی کشور را متوازن کرده‌اند. البته اثرات این سیاست مانند کاهش بی‌سابقه واردات کالاهای سرمایه‌ای و در نتیجه گران شدن سرمایه‌گذاری و به موازات آن، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش بی‌سابقه کالاهای وارداتی و... که خود اثرات ژرفی بر روی حیات اقتصادی کشور دارد، از اثرات ملموس آن است.